

گذری بر انقلاب اسلامی ایران در بهار ۵۷

۹ فروردین ۱۴۰۳ ساعت ۲:۰۲

بهار سال ۱۳۵۷ در حالی آغاز شد که رویدادهای نیمه دوم سال ۵۶، کشور ایران را به باور تازه‌ای از مبارزه علیه رژیم دیرپای شاهنشاهی رسانده بود. نطفه این باور با واکنش‌هایی که مردم در برپایی مراسم گرامی داشت آیت‌الله سیدمصطفی خمینی نشان دادند بسته شد؛ چند روز بعد در ۱۹ دی ماه شهر قم ماهیت و جوهره خود را نشان داد و سپس در ۲۹ بهمن تبریز، بالای برومند خویش را به رخ کشید.

بهار سال ۱۳۵۷ در حالی آغاز شد که رویدادهای نیمه دوم سال ۵۶، کشور ایران را به باور تازه‌ای از مبارزه علیه رژیم دیرپای شاهنشاهی رسانده بود. نطفه این باور با واکنش‌هایی که مردم در برپایی مراسم گرامی داشت آیت‌الله سیدمصطفی خمینی نشان دادند بسته شد؛ چند روز بعد در ۱۹ دی ماه شهر قم ماهیت و جوهره خود را نشان داد و سپس در ۲۹ بهمن تبریز، بالای برومند خویش را به رخ کشید.

با شروع سال ۱۳۵۷ رسانه‌های خارجی از تکرار اخباری که خبرگزاری پارس با نظارت سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) روی تلکس‌ها می‌فرستاد خودداری کردند و با تکرار هر چهل روز یکبار قیام‌ها و درگیری‌های روزانه در سطح شهرها و روستاها رفته رفته به فرهنگ دینی جاری در بطن این نهضت اذعان کردند؛ هرچند موافقتی با آن نداشتند. نویسنده روزنامه آبرور در اواخر فروردین ماه ۵۷ نوشت: «یک موعظه، محرک مخالفان جدی شاه است که وی ظرف ۱۵ سال گذشته با آنها روبرو بوده است.» [۱] هرچند آبرور این مثال را برای یکی از سخنرانی‌های آقای شریعتمداری ذکر کرد اما نشان از شناسایی تازه‌ای از نهضت ایران بود؛ شناختی که با تلقی این رسانه‌ها در سال ۵۶ تفاوت داشت. «این صدا از بالای منبر، تأثیر شدیدی در بسیج کردن و برپا کردن تظاهرات از سوی مردم عادی در زمان بحران دارد؛ مردمی که قدرت سنتی اسلامی را برای رهبری قبول دارند.» [۲] منابع عربی هم کم و بیش به این مساله اشاره کردند. مجله الحوادث نوشت: «رهبران مذهبی در استان‌ها از آیت‌الله خمینی که در تبعید بسر می‌برد جانبداری می‌کنند و در خیابان‌ها و مساجد به دفاع از اسلام و سنت‌های ملی می‌پردازند و خواستار تغییر اساسی و اجتماعی و توزیع عادلانه ثروت و کاستن از خشونت در برابر شهروندان هستند.» [۳]

با وجود شنیده شدن صدای واقعی انقلاب در خارج از کشور، محمدرضا پهلوی در پایتخت ایران نتوانست این آهنگ ملی را ببیند و بشنود و پاسخ مناسبی به آن بدهد. پاسخ او همان بود که به خبرنگار نشریه ساندی تایمز گفت: «آنچه که تعداد انگشت شماری اشخاص نادان بیچاره در تبریز انجام دادند هیچ معنی ندارد... این مشکل از جانب اتحاد ارتجاع سیاه و انقلاب سرخ به وجود آمده، زیرا هر دو این گروه‌ها علائق مشترکی در جلوگیری از پیشرفت این مملکت دارند.» [۴]

بهار سال ۱۳۵۷ در حالی آغاز گشت که برپایی جشن نوروز از طرف بسیاری از گروه‌های اجتماعی تحریم شد. اعلامیه‌های فراوانی در واپسین روزهای اسفند ۵۶ در سراسر ایران توزیع گشت و از مردم خواسته شد که به احترام شهدای شهرهای قم و تبریز نوروز را جشن نگیرند. در بیشتر شهرها مردم در مساجد جامع گرد هم آمدند و سخنرانان با محکوم کردن روش‌های برخورد رژیم شاه با تظاهرات مردم یاد شهیدان را گرمی داشتند. سخنرانانی که با صراحت بیشتری سخن گفتند تاوان آن را با دستگیری و تبعید پرداختند.

اما مهمترین رویدادها در روزهای نهم و دهم فروردین رخ داد. تقریباً سراسر کشور در چهلمین روز شهدای تبریز از خود واکنش نشان داد. رویارویی نیروهای نظامی و انتظامی رژیم شاه در چند شهر فاجعه آفرید: یزد، جهرم، اهواز. سه نفر در یزد، یک نفر در جهرم و یک نفر در اهواز به شهادت رسیدند و عده بیشتری زخمی شدند. اما دستگیری‌ها به اوج خود رسید. نکته قابل توجه در سندهای ساواک این است که نهضت اسلامی پای خود را از مراکز استان‌ها و شهرهای بزرگی چون قم، اصفهان، تهران، مشهد، اهواز، یزد و ... فراتر گذاشت و به بخشها و روستاها نیز کشیده شد. منابع نفوذی ساواک دیگر همه گزارش‌های خود را از افراد با سابقه تهیه نمی‌کردند بلکه گزارش‌ها از افرادی بود که به قول خودشان «فاقد سابقه» بودند.

در ماه فروردین شعارنویسی‌ها و تهیه و تکثیر اعلامیه‌ها رشد فوق‌العاده‌ای پیدا کرد. شبکه توزیع اعلامیه‌ها که در این مدت فعال بود، از نکات قابل توجه و قابل بررسی است؛ که چگونه با وجود اختناق، محدودیت و پنهان کاری؛ اعلامیه مراجع تقلید در کمترین زمان در سراسر ایران توزیع می‌شد و به دست مردم می‌رسید. ساواک و نیروهای انتظامی برخی از این شبکه‌ها را کشف، دستگیر و زندانی می‌کردند اما ارتباط سنتی بین روحانیان، کسبه و مردم و وجود عزم ملی در مخالفت با رژیم سلطنتی موجب تحدید این شبکه‌ها نشد، بلکه روز به روز بر قدرت عمل آنها افزوده گردید.

ویژگی دیگری که در فروردین ماه سال ۵۷ وجود دارد، انعکاس محدود و گاه تحریف شده خبر تظاهرات مردم در روزنامه‌ها است. لحن این خبرهای درج شده در روزنامه‌ها نشان می‌دهد که همه آن‌ها به دستور مسوولان ساواک تدوین و در اختیار روزنامه‌ها قرار می‌گرفت. علت این اقدام را می‌توان در دو جهت بررسی کرد؛ یکی «قیافه و فیگور» گرفتن مسوولان رژیم نسبت به وجود آزادی در سطح اجتماع و رسانه‌ها، زیرا همراه با درج این خبرهای از قبل تنظیم شده تعدادی مقاله انتقادآمیز از برخی دستگاههای اجرایی سطح پایین و یکی - دو خبر از حیف و میل مقامات دولتی نیز در روزنامه‌ها چاپ می‌شد. اولین فیگور را وزیر امور خارجه رژیم شاه هنگام ورودش به اتریش گرفت. وی در فرودگاه وین در برابر پرسش خبرنگاران از قیام‌های مردمی گفت که وجود این تظاهرات نشان دهنده نبود دیکتاتوری در ایران است. این بیان عباسعلی خلعتبری از طرف برخی رسانه‌ها به تمسخر گرفته شد. دومین پُز سیاسی را نیز شاه گرفت: «سانسور شدیدی وجود ندارد لیکن ما مطبوعات را نسبت به آنچه که در جهت مخالفت مصالح کشور است هدایت می‌کنیم. در مطبوعات انتقادات شدید می‌شود، البته نه نسبت به رژیم که به معنی خاندان سلطنت است. مردم این را قبول ندارند. بلکه این انتقادات نسبت به امور جاری مملکتی است.» [۵] و دوم، نمایش چهره‌ای غیر واقعی از نهضت مردم، به طوری که آنان را افرادی افراطی، معدودی آشوبگر، شماری اخلاک‌گر و خرابکار و مخالف پیشرفت معرفی کردند. این معرفی فقط به روزنامه‌ها بسنده نگردید بلکه بنابر قرائنی که در میان اسناد مجموعه اسناد انقلاب اسلامی به روایت

اسناد این مرکز آمده است، مأموران رژیم خود اقدام به آتش زدن برخی از اماکن و ارباب مردم کردند تا با مخدوش کردن شیوه مبارزه، چهره مبارزان را نیز دیگرگون بنمایند. گاهی این کارها به قدری ناشیانه صورت می‌گرفت که مثلاً تلویزیون یک شهر کوچک در اخبار محلی خود خبر از آتش گرفتن بانکی می‌داد که مردم آن شهر از چنین رخدادی بی‌خبر بودند و در واقع چنین حادثه‌ای در آن شهر روی نداده بود. به هر حال انعکاس این قبیل خبرها در رسانه‌ها در همان حد محدود و تحریف شده، امری بی‌سابقه محسوب می‌شد، به طوری که تعجب رسانه‌های گروهی بیگانه را از این مساله می‌توان از خلال خبرها و تحلیل‌های آنها دریافت.

از اقدامات دیگری که با مساعدت و همکاری متقابل حزب رستاخیز و سازمان اطلاعات و امنیت کشور صورت گرفت، ایجاد «کمیته‌های اقدام ملی» و فعال کردن «نیروی پایداری» بود؛ همچنین تشکیل گروهی نوپا و بی‌سابقه تحت عنوان «کمیته انتقام».

واقعیت آن است که هیچ یک از این نیروها و کمیته‌ها وجود خارجی نداشتند، بلکه برخی از اقدامات نیروهای انتظامی (شهربانی و ژاندارمری) و ساواک با این نامها در روزنامه‌ها منعکس می‌شد. وقتی تعدادی از تظاهر کنندگان به وسیله نیروهای ژاندارمری یا شهربانی دستگیر می‌شدند در روزنامه‌ها چنین نوشته می‌شد که نیروی پایداری تعدادی از اخلاگران را دستگیر کرده، تحویل مراجع ذیصلاح داده است. و یا اگر در خانه یا محل کار برخی از مبارزان، رؤسای احزاب مخالف و وکلای دانشجویان مبارز بمب می‌گذاشتند، اعلامیه‌ای که در محل پخش می‌شد نشان می‌داد که کمیته انتقام این عمل را به عهده گرفته است. نقش کمیته‌های اقدام ملی هم برگزاری تجمعات فرمایشی در کشور بود که بخش قابل ملاحظه‌ای از خبر روزنامه‌ها در فروردین ماه انعکاس همین گردهم‌آیی‌های دولتی است.

از دیگر خصوصیات فروردین ماه سال ۵۷ ادامه اعتصاب غذای زندانیان سیاسی در زندان قصر تهران بود. این اعتصاب که از اواخر اسفند ۵۶ شروع شده بود، با ورود خانواده‌های زندانیان به صحنه و تظاهرات آنان در مقابل زندان قصر در اول فروردین و بعد در برابر دانشگاه تهران و نیز به دلیل پخش خبر اعتصاب به سراسر جهان از طریق رسانه‌های خارجی، جنبه بین‌المللی به خود گرفت و رژیم شاه مجبور شد به بعضی از خواست‌های زندانیان تن دهد و آنان نیز اعتصاب را شکستند. غیر از این، همبستگی دانشجویان و روحانیان جوان حوزه علمیه قم با اعتصاب کنندگان، شیوع اعتصاب به دیگر زندان‌ها و در نهایت اعلام صلیب سرخ جهانی برای بازدید از همه بازداشتگاه‌های ایران از نتایج بود که این اعتصاب در پی داشت.

و بالاخره بهار سال ۱۳۵۷ در حالی آغاز شد که شاه در اوج قدرت نظامی با ذخیره‌های فراوان از دلارهای نفتی، مدعی حفاظت از امنیت اقیانوس هند و با ادعای رساندن ایران به پنجمین قدرت جهان، اما بی‌خبر از تقدیر تاریخ، آخرین بهار خود و همه نظام سلطنتی را در جزیره کیش گذراند؛ بی آن که بداند دیگر بهار چشمان سبز خود را به چشم نانجیب این خاندان نخواهد گشود.

[۱] . بولتن محرمانه رادیو تلویزیون ملی ایران، ش ۲۱، ص ۶.

[۲] - همان منبع.

[۳] - بولتن محرمانه خبرگزاری پارس، ش ۲۳، ص ۴.

[۴] - همان منبع، ش ۱۹، ص ۱.

[۵] - بولتن محرمانه خبرگزاری پارس، ش ۲۹، ص ۲.

مرکز بررسی اسناد تاریخی

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/49567/گذر-انقلاب-اسلامی-ایران-بهار-۵۷>